

قابلیت‌های نمایشی موجودات پری‌وار در عجایب‌نامه

موژان محمد طاهر

اشاره:

در این مقاله امید داریم تا با نگاهی به یکی از غنی‌ترین منابع معرفی‌کننده‌ی موجودات پری‌وار، قابلیت‌های نمایشی این شخصیت‌ها را بررسی کرده و پیشنهادهای برای نگارش نمایشنامه‌هایی بر اساس آن‌ها ارائه دهیم. فرض این مقاله بر این است که فرهنگ عامه‌ی مردم ایران، هنوز تحت تأثیر موجودات سحرآمیز در جنبه‌های مختلف قرار دارد. بی‌شک این باورها با ادبیات و نمایش نیز تعامل دارند و برای اتخاذ هرگونه دیدگاهی در قبال این باورها نیاز داریم تا آن‌ها را شناخته و در آثار خود به کار ببریم. گمان می‌رود شناسایی، معرفی، نمایش و هدایت این ذهنیت، کار ادبیات و هنر یک جامعه باشد.

هدف این مقاله خاطر نشان ساختن قابلیت‌های نمایشی برخی موجودات سحرآمیز (پری‌وار) در فرهنگ عامیانه‌ی ایران است که به دلایل مختلف از جمله عدم وجود منابع جامع و تحقیقات بنیادی نادیده گرفته شده و همچنان در ذهن و زبان ایرانیان به حیات خود ادامه می‌دهند.

این مقاله در چهار بخش با عناوین «دیالوگ با اساطیر»، «نگاهی کلی به پریانها»، «موجودات پری‌وار در عجایب‌المخلوقات» و «قابلیت‌های نمایشی موجودات پری‌وار در عجایب‌المخلوقات» تنظیم شده است.

مقدمه:

در میان میراث فرهنگی بشر، اسطوره‌ها و افسانه‌ها از همه کهن‌تراند. این روایات، مستقیم و یا غیرمستقیم، برای پاسخ‌گویی به سؤالات ازلی بشر پدید آمدند. پاسخ‌های خلق شده گاهی در قالب روایات اعمال و رفتار اساطیر و موجودات پری‌وار و به شکل افسانه‌های پریان، یا به عرصه‌ی زندگی بشر گذاشتند.

بنا بر دیدگاهی، افسانه‌ها، پاسخ جمعی یک قوم به یک پرسش است. فرهنگ عامیانه‌ی مردم ایران از متون مقدسی چون اوستا گرفته تا بطن فرهنگ شفاهی، مملو از قصه‌هایی است که طی روایات مختلف، موجودات فراواقعی بسیاری را آفریده است. این موجودات دارای خصایص، مأموریت‌ها و کارکردهای مختلفی هستند که در تحقیقاتی از این دست، از دو جنبه قابل بررسی‌اند:

۱ - اهمیت و تأثیر اجتماعی آن‌ها در شکل‌گیری عادات، رسوم و برخی آیین‌ها.

۲ - نقش ادبی و نمایشی آن‌ها بر شکل‌گیری ساختار ادبیات فولکلوریک و معاصر ایران.

بازآفرینی شخصیت‌های سحرآمیز فرهنگ عامه‌ی ایران در ادبیات داستانی و نمایشی می‌تواند هم جنبه‌ی سرگرم‌کننده و هم جنبه‌ی تأثیرگذاری اجتماعی داشته باشد. گمان می‌رود که نگارش نمایشنامه‌هایی بر اساس این قبیل افسانه‌ها و موجودات که قرابت ذهنی فراوانی با باورهای ایرانی دارد، می‌تواند ارتباط خوبی با مخاطب ایرانی برقرار کند.

دیالوگ با اساطیر

قدیمی‌ترین مجموعه‌های قصه‌های ایرانی که از زبان مردم شنیده شده و گرد آمده‌اند، به اولین دهه‌های قرن پیش مربوط می‌شوند. محققین غربی که این قصه‌ها را جمع‌آوری کرده‌اند بیشتر به گویش‌های روایی توجه نشان داده‌اند. افسانه‌ها و روایات موجود در اساطیر و فرهنگ عامه، همواره لاقبل به دو دلیل، دستمایه‌ی کار نویسندگان علاقه‌مند به قصه‌های شفاهی، ادبیات جادویی و بخشی از ادبیات تخیلی قرار گرفته است. اول آن که این افسانه‌ها، پاسخی جمعی به پرسش‌های هستی‌شناختی بشر بوده‌اند. در افسانه‌ها آدمی، خود، خدایان و شیاطین را می‌آفریند و با سرگردان ساختن قهرمان، میان دو نیروی کلان «خیر» و «شر»، سرگردانی پس از تنزیل یا «هبوط» خود را یادآور می‌شود و در تلاش برای یافتن مبدأ و مقصد آفرینش و چپستی و چگونگی جهان قبل و بعد از خود برمی‌آید. البته در این رهگذر، نیابست نقش کتب مقدس و آموزه‌های آنان و به خصوص نقش قصص موجود در کتب ادیان ابراهیمی را در شکل‌گیری و تکوین بسیاری از این اسطوره‌ها نادیده گرفت. پس چنانچه بپذیریم که این روایات، مجموعه‌ای از گزاره‌های موجود در نزد آدمی، برای تبیین هستی‌اش باشد، نویسنده می‌کوشد تا سرگذشت غم‌انگیز آدمی را روایت کند و با افسانه‌ی نیاکان، تصویری از وضعیت انسان زمانه‌ی خویش، به دست دهد. دومین دلیل، در کارکرد این روایت‌ها نهفته است. در نفس روایت دوباره‌ی اسطوره‌ها، تلاش آدمی برای یافتن مرهم دردهایی که مستأصلش نموده، پنهان است. نویسنده‌ای که بن‌مایه‌ی اثرش را از یک یا چند افسانه می‌گیرد، تلاش می‌کند تا با کشف و نمایش ارتباطی ماهوی میان رنج‌ها و واکنش‌های بی‌نهایت بشر این زمانه، با کنش‌ها و اقدامات قهرمانان افسانه‌ها، در مناقشات میان خدایان و شیاطین یا مرافعات میان نمایندگان زمینی آن‌ها، چراغی را در این کوره راه روشن کند. البته این‌جا نویسنده در ابتدای کار، حکم یک «بریکولر»^۱ (خرت و پرت جمع کن^۲ در زبان انگلیسی) را پیدا می‌کند. لقبی که «کلود لوی استروس»^۳ به کسی داد که اساطیر و قهرمانان را باز می‌یابد، تنظیم می‌کند و دگرپار مورد استفاده قرار می‌دهد. استروس معتقد بود که اسطوره‌ها، مانند چیزهای دیگر، مصرف می‌شوند، «می‌شکنند و دوباره شکل می‌گیرند: فراموش می‌شوند و دوباره یافته می‌شوند»^۴.

در این باز یافتن اسطوره و قهرمان، نویسنده، با احیای «تخیل خلاق» که تنها راه فرار انسان معاصر از چنگ پدیده‌ها و محصولات دوران مدرن است، فرصتی برای رهایی مخاطب از واقعیت خشک و بی‌رحم پیرامون خود به دست می‌دهد و در واقع از طریق «ارضای ثانویه»، تحمل واقعیت عینی را امکان‌پذیرتر می‌کند. «تالکین»^۵، پرفسور زبان و ادبیات انگلیسی، در این باره معتقد است که تخیل، کانون اصلی حیات معنوی بشر است.

از یک طرف نویسنده، تحت تأثیر محیط و مسائل پیرامون، با روایت دوباره‌ی تاریخ، به همراه مخاطب خود به دنیایی دور اما «شبیبه» دنیای امروز هجرت می‌کند تا مگر پاسخی، شفایی و دست کم امیدی برای رهایی از دردهای امروزش بیابد. اجازه بدهید برای توضیح بیشتر، بخشی از مقدمه‌ی کتاب «درخت و برگ» را نقل کنم:

«...به گفته‌ی خود تالکین هدف اصلی وی از نگارش کتاب لرد انگسترها، ارائه‌ی تصویری دقیق از مردمان و اقوامی بود که به این زبان‌ها سخن می‌گفتند، و البته آن‌ها نیز به نوبه‌ی خود، اعتقادات و سنن و تاریخ خاص خود را طلب می‌کردند. در یک کلام، واقعیت آن‌ها مستلزم خلق جهانی کامل، شکل یافته، قانونمند و مهم‌تر از همه غیرتجربیدی و ملموس بود؛ جهانی که علی‌رغم همه‌ی شگفتی‌ها و تفاوت‌هایش، شباهت‌های بسیاری با جهان ما دارد و از این رو توصیف تخیلی آن می‌تواند حقایق مهمی را بر ما آشکار کند و نگرشی باز، شفاف و نو به تجربه‌ی زیستن در جهان واقعی را ممکن سازد»^۶.

چرا از دیالوگ با اساطیر و قهرمانان یا موجودات پری‌وار سخن گفتیم؟ به نظر می‌آید که در تمام فعل و انفعالات ذکر شده، باید کیفیتی را در رجوع به اساطیر مد نظر داشت. لازمه‌ی دسترسی به این کیفیت، که در دلایل ما برای انتخاب یک اسطوره‌ی خاص برای نوشتن یک داستان، پنهان است، دیالوگ فعال با اساطیر و موجودات پری‌وار است بدین معنا که اجازه دهیم تا با ما سخن

بگویند، بر ما اثر کرده و داستان خود را بی هیچ محدودیتی روایت کنند؛ بی هیچ هراسی، از آن‌ها پرسش کنیم و جواب بطلبیم. اما از طرف دیگر از راه بررسی افسانه‌ها و به طور کلی فرهنگ عامیانه، می‌توان لایه‌های پنهان شده‌ی عقاید، باورها و سنت‌های عامیانه‌ی هر قومی را، از زیر غبار برخاسته از کوچ‌ها، جنگ‌ها و تمدن‌های انباشته شده بر روی هم، استخراج و تفکیک کرد و نهادهای اصلی و اساسی را مشخص نمود. در واقع این بخش، به نویسندگان کمک می‌کند تا اصطلاحاً طرف مذاکره را قبل از دیالوگ به خوبی شناسایی کند. البته این شناسایی کاملاً پویاست و قبل، در حین و بعد از دیالوگ نیز به اشکال مختلف، انجام می‌پذیرد.

نگاهی کلی به پریانه‌ها

برای آن که بتوان مشابهتی میان کارکرد پریان ایران و جهان پیدا کرد لازم است تا به ویژگی‌های مشترکی برسیم. در قصه‌های تمام عالم، ایفای چند نقش همانند، همواره بر عهده‌ی پریان قرار گرفته‌است:

- ۱- «به نوزادان، خصایل و صفاتی نیک یا بد می‌بخشند.
- ۲- اندیشه‌ها را به حدس و گمان در می‌یابند (افکار مردم را می‌خوانند) و قادر به پیش‌گویی‌اند. (و این با پدیده‌های روشن‌بینی، دوربینی، یا پیش‌بینی و پیش‌شنوایی که امروزه به خوبی شناخته‌است، مطابقت دارد).
- ۳- آدم‌ها، کاخ‌ها، خوان‌های گسترده‌ی رنگین پدید می‌کنند و اشخاص و اشیاء را به صورت‌های گوناگون در می‌آورد (و این مطابق با قدرت‌های نفس مجرد در قالب جسم فلکی - astral - اوست. نفس یا جان در این حالت می‌تواند تنها به قدرت اراده، هر شکلی بیافریند).

- ۴- گنج و خواسته می‌بخشند (با توجه به این نکته که مال و گنج و جواهر، نماد معارفی محسوب می‌شوند که از راه کشف و شهود حاصل آمده‌اند، پری بخشنده‌ی مال و خواسته، نمایشگر رمزی راهنما و آموزگاری است که نظرکردگان خود را یاری می‌دهد تا در ناخودآگاهی خویش که سرچشمه‌ی معارف تمامی‌ناپذیر است، نفوذ کنند).
- در قصه‌های پریان سلسله مراتب اجتماعی، تابوها، مخلوقات فراطبیعی، جادو، ملاک‌های سفت و سخت اخلاقی، جستجوها، و اعمال شیرین در دنیایی که سرانجام بدی (هرج و مرج) از بین می‌رود و به نیکی پاداش داده خواهد شد، وجود دارد. در این آثار، درون‌مایه‌های عمده از قبیل جدال خیر و شر، تأثیرگذاری فرهنگی، عدالت اجتماعی و وفاداری در کنار هم قرار می‌گیرند.

موجودات پری‌وار در عجایب‌المخلوقات

در عجایب‌المخلوقات محمد بن محمود بن احمد طوسی، موجوداتی که با تعریف ما از موجودات پری‌وار در این پژوهش مطابقت داشته باشند به شرح ذیل‌اند:

۱- عجایب‌الآدمین فی کل زمان (رکن هفتم)

۱-۱- الیاس (ع)

«از نوادر آدمیان، الیاس (ع) بود. که در زمان او، پادشاه ظلم را به غایت رساند، پس او از خداوند خواست و قحطی پدید آمد. پس دعا کرد و نجات یافتند، اما دگر بار عاصی شدند. الیاس از خدا خواست که الهی مرا ازین قوم ظالمان برهان. برو وحی آمد که به فلان صحرا رود و آن مرکبی که پیش‌آید سوار شود و نترسد. الیاس رفت و از دور اسبی دید که از آتش عظیم‌تر بود و می‌آمد و تا نزدیک الیاس رسیده، ایستاد. الیاس سوار شد و وصیت کرد. خداوند نیز لذت طعام و شراب از وی بگرفت و نور در وی پوشید و آن مرکب بپرید و الیاس را ببرد و هنوز زنده است و در صحراها و بیابان‌ها گم‌شدگان را راه نماید و کار وی شگفت است.»

۲-۱- خضر (ع)

خضر آب حیات خورد و زندگانی یافت و همچنین در دریاها و مرغزارها می‌باشد و درماندگان را دست گیرد و مظلومان را برهاند.

۳-۱- شمسون

از شگفتی‌های جهان، شمسون بود که وقتی از مادر زاده شد، موی سر او از فرق بود تا به قدم. چون بزرگ شد موی وی قوی‌تر شد و قوتی داشت که لشکری را تار و مار می‌کرد.

۴-۱- تنسر

در مملکت اردشیر شخصی بود نام وی تنسر، حاجبی کردی و ترک بود و از وی شگفتی‌ها گویند. یکی آن بود که بوی مشک از وی دمیدی. همیشه و هر جا که بگذشت چند روز بوی عطر آمدی. و در آن روزگار هر پادشاهی که از وی یک تار موی بگرفتی، همه‌ی خزینه‌ی او از آن یک موی او معطر بودی و کس علت آن ندانست مگر آفریدگار.

و شخصیت‌های دیگر چون:

۵-۱- زال بن سام

۶-۱- الرجل‌الابلق

۷-۱- صفحه‌ی بحری

۸-۱ - کیکاوس

۹-۱ - ذوالقديه

۱۰-۱ - مولود نادر

۱۱-۱ - یاجوج و ماجوج و ناسک و منسک

۲ - فی عجایب الجن و نیز ذکر اصناف الجن (رکن هشتم)

۱-۲ - هاتف

شب رو بنماید و بانگ زند و خبرها دهد.

۲-۲ - مرهبن الحارث

گویند دیوی را در پیش سلیمان آوردند به شکل بازنه با ناخن‌های دراز. هر که بانگ او می‌شنید، به گریه می‌افتاد. گفت «تو کیستی؟» گفت «منم مرهبن الحارث، و صنعت من آنست که مزمار و صبح زخم و هر جا که بربط زنند من آن‌جا باشم.»

و نیز دیگر موجوداتی از قبیل:

۳-۲ - هاروت و ماروت

۴-۲ - دیو یام

۵-۲ - دیو اکوان

۶-۲ - النسناس

۷-۲ - غولان

۳ - موجودات حاصل از ازدواج انس و جن

۱-۳ - ذوالقرنین

می‌گویند که ذوالقرنین را مادر آدمی، نامش قبری و ملکه‌ی روم و پدرش فرشته بود. نفع‌های در قبری دمید چون بزاد، این پسر را به ولایتی فرستاد از بیم ملامت. ذوالقرنین بزرگ شد و عالم را بگرفت و چندان قوت داشت که از زمین برخاستی و بر سحاب نشست و نور آفتاب ناپدید می‌کرد.

۲-۳ - بلقیس

گویند که بلقیس زن سلیمان مادرش جنی بود و پدرش آدمی بود و این معنی در کتاب‌ها مسطور است.

قابلیت‌های نمایشی کلی موجودات پری‌وار در عجایب نامه

از میان تمام مداخلی که در عجایب‌نامه ذکر شد، بسیاری از آن‌ها قابلیت نمایشی دارند. این موضوع را می‌توان با انتخاب یکی از موارد و بررسی عناصری که یک حکایت، داستان یا قصه را قابل اقتباس برای یک نمایش نامه می‌سازد، اثبات کرد. البته این نکته بسیار حائز اهمیت است که می‌بایست دقیقاً فرآیندی را که در مورد بسیاری از قصه‌های پری‌وار به هنگام بازنویسی رخ داده‌است را برای اقتباس از مداخل عجایب نامه طی کرد.

به عبارت دیگر همان‌طور که به هنگام بازنویسی قصه‌ها به دلایل زمانی و بسته به اوضاع و حال و هوای جایی که قصه بازنویسی می‌شود، بسیاری از عناصر جابجا و جایگزین می‌شوند، بی‌شک در اقتباس از حکایت‌های عجایب‌نامه نیز باید بسیاری از عناصر را تغییر داد.

به عنوان مثال در نمایشنامه‌ی «پرنده‌ی آبی» نوشته‌ی موریس مترلینگ با شخصیت‌های غیر ارگانیک زیر روبه‌رو هستیم:

پری - بریلون

روشنایی

بابا بزرگ تیل (مرده)

ننه بزرگ تیل (مرده)

برادران تیل تیل (مرده)

خواهران تیل تیل (مرده)

و غیره.

در این نمایشنامه، موریس مترلینگ با استفاده از شخصیت‌هایی که در فرهنگ بومی خود وجود دارد، با افزودن کیفیتی ویژه و کنش‌مند کردن شخصیت‌ها و به خصوص تیل تیل، نسخه‌ای دراماتیک از این قصه ارائه می‌دهد. منظور از کیفیت ویژه، ایجاد لایه و کیفیتی خاص در داستان است که وحدت و انسجام کنش در متن، از آن ناشی می‌شود. این کیفیت از طریق سفر شخصیت‌ها برای یافتن پرنده‌ی آبی حاصل می‌شود. این پرنده در واقع تجلی سعادت و خوشبختی برای شخصیت‌ها است که هر کدام به نوع خود در پی یافتن آن هستند.

در عجایب نامه نیز حکایت‌های بی‌شماری وجود دارد که هریک می‌تواند هم منبع کارآمدی برای اقتباس باشد و هم در حد همان ظرفیت ابتدایی، بسط پیدا کنند که البته در صورت اخیر، به هیچ عنوان نمی‌توانند چیزی به لحاظ اندیشه‌گی و زیبایی‌شناسی به موجودات بیفزایند. این افزودن، غایت اثر هنری به نظر می‌رسد.

در عجایب نامه به طور کلی سه دسته موجود پری‌وار به چشم می‌خورد.

الف) موجوداتی که ریشه‌های دینی دارند مانند اجنه و شیاطین.

ب) موجودات ناشناخته و خاص چون هاتف و نسناس و...

ج) موجودات دو رگه چون بلقیس و ذوالقرنین که ریشه‌هایی تاریخی نیز دارند.

به نظر می‌رسد برای بازنویسی و خلق نمایشنامه از هر کدام از این موجودات باید با رویکرد خاصی به سراغ آن‌ها رفت. دسته‌ی الف با توجه به زیرساخت دینی، باورها و آیین‌ها را برای فربه شدن می‌طلبد. دسته‌ی دوم ریشه‌ی عمیقی در باورها و فرهنگ عامه دارد و نویسنده لازم است تا با شناخت کافی نسبت به ابعاد و تنوع این باورها به سراغ این دسته از موجودات برود. در این مورد، بیوولف و سیر زائر می‌توانند نمونه‌های خوبی محسوب شوند چرا که در این دو اثر که اولی حماسی و دومی مذهبی است، آفرینندگان با شناخت کافی نسبت به ابعاد فرهنگی جامعه‌شان به خلق فضایی دست زده‌اند که هدف‌های مطروحه را در بر می‌گیرند.

نتیجه‌گیری

حکایت‌های عجایب‌نامه شاید به ظاهر فاقد عناصری چون کشمکش، کنش، انگاره و... باشند اما شخصیت‌ها و موقعیت‌هایی را به دست می‌دهد که مختصاتی روشن و قابل تعمیم دارند. ضمناً این شخصیت‌ها و اتمسفر، قابلیت ترکیب و تداخل دارند، بدین صورت که نویسنده‌ی هوشیار می‌تواند با ترکیب و چیدمان آن‌ها به خلق فضای نمایشی ویژه‌ای دست بزند.

در پایان لازم می‌دانم از زحمات سرکار خانم بزرگمهر که جلساتی پیش آوردند و من را در تدوین و نگارش این مقاله یاری کردند، قدردانی کنم.

فهرست منابع:

- ۱ - استروس، کلود لوی: اسطوره و معنا، ترجمه‌ی شهرام خسروی، تهران: مرکز، چاپ اول ۱۳۷۶.
- ۲ - باستید، روژه: دانش اساطیر، ترجمه‌ی جلال ستاری، تهران: توس، چاپ اول ۱۳۷۰.
- ۳ - بهار، مهرداد: پژوهشی در اساطیر ایران، تهران: آگه، چاپ پنجم ۱۳۸۴.
- ۴ - پراپ، ولادیمیر: ریشه‌های تاریخی قصه‌های پریان، ترجمه‌ی فریدون بدره‌ای، تهران: توس، چاپ اول ۱۳۷۱.
- ۵ - تالکین، جی. آر. آر: درخت و برگ، ترجمه‌ی مراد فرهادپور، تهران: طرح نو، چاپ اول، ۱۳۷۷.
- ۶ - کریستن سن، آرتور: نمونه‌های نخستین انسان و نخستین شهریار، ترجمه‌ی ژاله آموزگار - احمد تفضلی، تهران: چشمه، چاپ دوم ۱۳۸۳.
- ۷ - هینلز، جان راسل: شناخت اساطیر ایران، ترجمه‌ی ژاله آموزگار و احمد تفضلی، تهران: چشمه، چاپ نهم ۱۳۸۴.
- ۸ - طوسی، محمد بن محمود بن احمد: عجایب‌المخلوقات و غرائب‌الموجودات، به اهتمام منوچهر ستوده، انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ دوم ۱۳۸۲.
- ۹ - مترلینگ، موریس: پرنده‌ی آبی، ترجمه‌ی عبدالحسین نوشین، انتشارات قطره، ۱۳۸۴.
- ۱۰ - هاردی، جین بی.: حلقه‌ی تعالی و تباهی، ترجمه‌ی مسعود ملک‌یاری، نشر قاصدک صبا و هگمتان، ۱۳۸۸.

منابع لاتین:

۱ - Johnson, Sickels, Sayers; Anthology of Children's literature, Houghton Mifflin, ۱۹۷۰ - ۱

پی‌نوشت:

- 1 - Bricoleur
- 2 - Rag-and-bone man
- 3 - Claude Levi Strauss

۴ - لوی استروس، اسطوره و معنا ص ۱۴

5 - J. R. R. Tolkien (1892- 1973)

6 - The Lord of the Rings

۷ - جی. آر. آر. تالکین، درخت و برگ ص ۱۶